

اعتراف دانشمندان مسیحی

به تناقض کتب مقدسه !

اختلاف و تناقض در تعالیم کلیسایی به ویژه در متون کتابهای باصطلاح آسمانی ! مسیحیت موجب انزجار و اعتراض بسیاری از اندیشمندان مسیحی شده است .

داشته و داور باشد !

ارزش هر مذهبی در مسائل فردی یا اجتماعی باید بیشتر از هر چیزی با ترازوی خرد و عقل سنجیده شود. در مذاهب ، صحبت از این نیست که احساسات و هیجانات در آنها شدید هستند یا ضعیف . . . گرچه در مذاهب برای احساسات جای مخصوصی قایل اند ، اما فقط عقل و استدلال است که ارزش این احساسات را تعیین می کنند» (۲)
اکنون باید دید ، مذهبی که به مسیح ، آن

«جان گیر» می گوید : (۱)

«بی گمان مذهب چیزی است که اذدل برمی-خیزد . اما برای آنکه آن را از خیال بافیهای ذهنی و هوسهای شخصی دور کنیم و بین آن چیزهایی که در مذهب درست می باشند و آنهایی که نادرست هستند تمیزی بگذاریم ، باید قاعده کلی در دست داشته باشیم . آن چیزهایی که قلب ما پذیرفته است باید عقل ما هم آنها را باور کند؛ و تعقل و فکر باید بر احساسات ما تسلط

T.Cai d (۱)

۲- دین و روان ویلیام جیمز ص ۱۲۵ نقل متافزیک مسیحی

هائی است که در آنها تخم حقیقت در زیر توده انبوهی از خیا بافیها که در دورانهای بعد ؛ بصورت نوشته درآمد ، پنهان است» وی سپس اضافه می کند که :

«شگفت آور نیست که خود ارباب کلیسایز گاه با نزاکت و احترام کمتری از انجیلیها یاد میکنند ؛ چنانکه «اوتگوستن» کشیش معروف در کتاب خود که برضد آئین مانی نوشته می گوید: هرگاه به ملاحظه ی آبروی کلیسای کاتولیک نبود من به انجیل اعتقادی نمی داشتم» (۲)

بنابراین، برخلاف پندار «دکتر فندر آلمانی» تنها این مسلمانان نیستند که تناقضات کتاب های مقدس مسیحیت را نشانه عدم الهامی بودن آنها می دانند بلکه بسیاری از پیروان پروپاقرص مذهب مسیحیت نیز از این تضادهای کتب مذهبی مسیحیان می نالند .

این دکتور در کتاب خود «سنجش حقیقت» آنجا که می خواهد با سفسطه بازی و مغلطه کاری پرده بر روی حقیقت بکشد ؛ و وجود تناقض و تحریف را در کتابهای با اصطلاح آسمانی مسیحیت انکار کند ، این طور می نمایاند که زمزمه تحریف و تناقض در عهدین فقط از جانب مسلمانان برخاسته است . ولی آیا راستی تنها این مسلمانان هستند که از اختلاف و تناقض کتابهای عهد قدیم وجدید سخن می گویند؟ مگر نه این است که دهها نفر از دانشمندان مسیحی مانند «ویلز» «موریس» «گوستویل» ؛

پیامبرداستین و آسمانی منسوب است و در میان مذاهب موجود ؛ بیشترین (۳) پیرو را دارد ؛ آیا راستی مذهبی منطقی و خرد پسند است و یا تنها بر اساس عواطف و احساسات نامعقول بنیاد یافته است ؟ مسیحیت ، علاوه بر مشکل اعتقادی تثلیث که در گذشته از آن بحث شده و علاوه بر آنکه مدارک دست اول این مذهب (تورات و اناجیل فعلی) محتویات بدآموز، خرافاتی و نادرست دارند، دچار یک مشکل بزرگ و پیچیده دیگر نیز هستند که خرد انسانی با توجه به حقیقت آن ؛ اصالت ، واقعیت و سلامت آن مدارک را از در گونی و دستبرد خائنان ، باور ندارد .

این مشکل ؛ چنانکه سابقا گفتیم و دیدیم عبارت است از تناقضها و اختلافات آشکاری که بین کتابها و حتی بابهای يك کتاب از کتب مقدسه و آسمانی ! مسیحیت حکفرما است . اختلافات و تضادهای کتابهای مذهبی مسیحیان بویژه اناجیل آنچنان زیاد و چشمگیر است که بقول دانشمند محقق «گری ولف» « هرگاه تناقضات داخلی انجیلیها را به منطبق نبودن محتوای آنها با حقایق تاریخی و خارجی بیفزائیم به این نتیجه می رسیم که انجیلیها با اندازه يك کتاب نامعتبر تاریخی هم ارزش ندارد . زیرا این کتابها هیچ گونه اطلاعات قابل استنادی درباره حوادث قرن اول تاریخ مسیحی بدست نمی دهند و داستانهای منقول در اناجیل صرفا قصه های اساطیری و افسانه-

۳- جمعیت مسیحیان جهان ۸۰۰ میلیون نفر برآورد شده است.

۴- درباره مفهوم انجیلیها ص ۵۴

تمام دلالت دارند که بسیاری از «احبار» و «رهبان» (علمای یهود و مسیحیت) برای حفظ موقیبت و بدست آوردن ثروت؛ راه رسیدن به حقیقت و هدایت را به سوی مردم می‌بستند و گاه با دست خود مطالبی را نوشته آن را الهام الهی و کلام خدا محسوب می‌داشتند ... (۸)

بهر صورت سخن از تضاد و تناقض عهدین بود و اینک چند نمونه دیگر از این تضادها:

از کتاب عهد عتیق

۱- در بندهای ۲۰ و ۱۹ از باب ۶ سفر پیدایش داستان توفان نوح، نقل شده است. در این جا؛ با صراحت تمام می‌گوید؛ نوح از جانب خداوند مامور شد تا از جمیع حیوانات و اژدها صاحب جسدی جفتی به همراه خود در کشتی نگهدارد. عین همین مطلب در باب ۷ از کتاب نامبرده در بندهای ۹ و ۸ نیز آمده است، ولی بانهایت شگفتی در بند-های ۳ و ۲ همین باب از همین کتاب می‌خوانیم: «و از همه بهایم پاك هفت هفت نروماده با خود بگیر و از بهایم ناپاك دو نروماده و از پرنندگان آسمان نیز هفت نروماده را تانسلی بر روی زمین نگاهداری» اختلاف این دو کلام، بسیار روشن است.

۲- کتاب دوم پادشاهان، پیرامون مدت سلطنت و سن «یهو.یاکین» در آغاز پادشاهی و نام مادرش

فیلیسین شاله؛ اوگوستن؛ گوستا و لو بون، آریوس؛ فلاوین؛ دیسکور و کری ولف» که جمعی از آنان دارای مقام روحانی کلیسایی و کشیشی نیز بودند به کتابهای عهد عتیق و جدید از دیدگاه طعن و طنز نگریستند و از وجود تباین و اختلاف بین آنها به شدت نالیدند؟ (۵)

آیا انگیزه انتقاد و اعتراض مسلمانان به عهدین؛ بقول این دکتر، جنبه شهرت و شایعه سازی داشت و هیچگونه تعریف و تائیدی در کار نبوده و نیست؟ پس آن همه تناقض و تباین که از کتابهای عهد قدیم و جدید سابقا نقل کردیم و نیز نقل خواهیم کرد چیست؟

آیا بهتر نبود که دکتر فندرمانند دیگر مدافعان سرسخت مسیحیت (چون جیمزهاکس) (۶) که الزاما بوجود تعریف و تناقض در عهدین اعتراف کردند و نیز با انکار این واقعیت مسلم، غرض ورزی و تعصب خود را ثابت نمی‌کرد؟

درست است که قرآن مجید، کتاب آسمانی مسلمانان، آن يك انجيل واقعی را که بسمسیح پیامبر نازل شده است قبول دارد، (۷) ولی باید توجه داشت که اناجیل گوناگون فعلی را به هیچ وجه به رسمیت نمی‌شناسد و چنانکه بعدا در بحث تعریف خواهیم دید، آیاتی از قرآن با صراحت

۵- رجوع کنید به کتابهای جاهلیت و اسلام و درباره مفهوم انجیلهما

۶- در قاموس کتاب مقدس ذیل کلمه کتاب مقدس به وقوع تناقض و اختلاف در عهدین اعتراف کرده است.

۷- وقینا بمیسی بن مریم و آتیناه الانجیل ... حدید آیه ۲۸

۸- مضمون آیه ۳۵ از سوره توبه و آیه ۷۳ از سوره آل عمران

۱۰ در دوسومرد یکی در بند ۹ و دیگری در بند ۱۲ از قول عیسی می گوید: «من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می نهند» تضاد بین آن سه انجیل و انجیل یوحنا بخوبی آشکار است.

۲- انجیل مرقس قصه وارد شدن مسیح را به اورشلیم بگونه ای مخصوص؛ بیان میکند و می گوید: عیسی به دوتن از شاگردان گفت: «بدین قریه که پیش روی شما است بروید و چون وارد شدید در ساعت کره الاغی را بسته خواهید یافت که تا بحال هیچکس بر آن سوار نشده آن را باز کرده بیاورید...» آنگاه کره را نزد عیسی آورده رخت خود را بر آن افکندند تا بر آن سوار شد.

انجیل لوقا در باب ۱۹ و یوحنا در باب ۱۲ نیز این داستان را با اندک تفاوت، به همین کیفیت نقل میکنند و میگویند که مسیح بر یک کره الاغی که کسی سوار آن نشده بود سوار شد.

اما همین قصه، با کمال تعجب، در انجیل متی ۱ به شکل ۲ ب؛ دیگری بیان گشته و میگوید برای عیسی الاغی را با کره اش آوردند و او بر آن هر دو سوار شد.

چگونه میتوان بین این سخنان متباین تلفیق کرد؟ «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل»

چنین آمده است:

«یهویا کین» هیجده ساله بود که پادشاه شد و سه سال در اورشلیم سلطنت نمود و اسم مادرش «نحوشطا» دختر «الناتان» اورشلمی بود» (۹) در حالیکه در کتاب دوم تواریخ ایام در همین مورد چنین نوشته است:

«یهویا کین هشت ساله بود که پادشاه شد و سه ماه و ده روز در اورشلیم سلطنت نمود...» (۱۰)

اختلاف بین این دو کتاب درباره مدت سلطنت به ۳۲ ماه و ۲۷ روز و پیرامون سن یهویا کین در آغاز پادشاهی ا به مدت ده سال است. آفرین به چنین کتاب آسمانی!

از کتاب عهد جدید

در انجیل مرقس باب دهم بندهای ۱۸ و ۱۹ می- خوانیم: «چون (عیسی) به راه می رفت شخصی دوان دوان آمده پیش او زانو زده سؤال نمود که ای استاد نیکو چه کنم تا وارث حیات جاودانی شوم؟ عیسی بدو گفت چرا مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست جز خدا قط»

عین همین مضمون با اندک اختلافی در الفاظ، در انجیل متی باب ۱۹ بند ۱۶ و انجیل لوقا باب ۱۸ بند ۱۸ نیز آمده است.

ولی برخلاف این اناجیل؛ در انجیل یوحنا باب



۹- کتاب دوم پادشاهان باب ۲۴ بند ۸

۱۰- دوم تواریخ ایام باب ۳۶ بند ۹